

ارمغان

دو مکتوب بزرگ تاریخی

از جانب سنی الجواب استاد جلیل یگانه و فاضل نبیل

فرزانه .

آقای حاجی سید نصر الله اخوی ادام الله ایام افاضانه دو
مکتوب ذیل بادره ارمغان واصل و برای قارئین عظام ارمغان
می گردد .

وهم بدین گونه مکاتیب تاریخی که تنها در خزینه علم و ادب یعنی
کتابخانه این استاد بزرگوار ضبط و موجود است پس از این هر شماره
ارمغان موشح و مزین خواهد بود .

مکتوب اول از این دو مکتوب از شیخ عارف و حکیم بارع
(صدر الدین القونوی) انارالله برهانه با کتاب مفاوضه که از تألیفات
اوست در خدمت فیلسوف بزرگ و حکیم سخن سنج باستان ایران (خواجه
نصیر الدین طوسی) علیه الرحمة والغفران ارسال داشته و مکتوب
دوم را خواجه در جواب نگاشته است .

قیمت اینگونه مکاتیب گرانهای تاریخی بر اهل فضل و خرد
پوشیده نیست از اینرو ما از توصیف و تعریف هر یک که بیش از حد
توانائی خامه و نامه ما ست چشم پوشیده و بطبع دو مکتوب با
مختصری از شرح حالات شیخ صدر الدین قناعت میورزیم .

شیخ صدر الدین القونوی ، از عرفا و حکمای بزرگ قرن ششم هجری و اسم او محمد و پدرش اسحق و کنیه اش ابوالمعالی است و شیخ مجیب الدین عربی او را تربیت فرموده است .
 مولانا جلال الدین رومی را با وی کمال و داد و اتحاد بوده چنانکه روزی حضرت مولوی بمنزل او وارد شد وی بنا بر تعظیم مسند خود را بمولوی وا گذاشت و خود بکنار رفت مولوی برمسند شیخ نشست و گفت خدارا چه جواب دهم اگر برمسند تو که مقام بلندی است بنشینم شیخ سجاده را بدور افکنده و گفت که برا نشاید ما را نیز نشاید .

در میانه شیخ و خواجه نصیر الدین طوسی علیه الرحمة - و آلها و جوابها مبادله شده است چنانچه در کتب تواریخ و شرح حال عرفا این مسئله ضبط است و تصانیف بسیار در علوم و هم تصوف از شیخ یادگار است و از آن جمله است ، تبصرة المبتدی ، تذکرة العنتهی ، شرح تعرف ، شرح شجرة نعمانیه ، مفتاح القیب ، نصوص ، نفحات الهیه ، مفاوضه ،

و نیز در شعر طبع بلندی داشته و این رباعی از اوست .
 آن نیست ره وصل که انگاشته ایم
 و آن نیست جهان جان که بنداشته ایم
 آن چشمه که خضر خورده زاو آب حیات

در خانه ما است لیک انباشته ایم
 باری این دو مکتوب از جمله همان مکاتیب است که فیما بین شیخ و خواجه رد و بدل شده و محتمل است مکاتیب دیگر هم بدست آید همبقدر از فضای دانشمند انتظار داریم که از دور و نزدیک اگر دسترس باین مکاتیب یا مکاتیب تاریخی دیگر داشته باشند برای آنکه از میان نرود و محل استفاده عموم واقع گردد سواد آنرا

باداره ارمغان ارسال فرمایند .

(اینک آن دو مکتوب)

مکتوب الشیخ صدر الدین القونوی للمولی الاعظم نصیر

العله و الدین انار الله برهانه

ما زال سمعی تعی من طیب ذکرک ما

یرزی علی الروض غب العارض الہتن

حتی حلت حمی قلبی و لا عجب

من قرب ساع الی قلب من الاذن

گوش ایام و لیالی باستماع مآثر و معالی مجلس عالی خواجه

معظم و صدراعظم (مالک ازمة الفضائل . افتخار الاوائل . ملک

حکماء العصر . حسنة الدهر . صیر الحق و الدین . اطال الله

فیما یرضیه بقائه . و ادام فی درج المعالی ارتقائه . و لازالت

مہجته الشریفه بعین الله مکلیه . و تالی حمدہ مقدا لا نتاج کل قضیه)

همیشه مشنف و حالی باد .

خدمت و دعا از منبع صفا و مشرع ولا رسانیده می آید و بر

دعائی کہ فی ظہر الغیب موظف است . و از شوائب ریا مخاص و

مطہر اقتصار کرده میشود . ^{رویکار علوم انسانی و مطالعات فرہنگی} والله ولی الاجابة و الاحسان .

بر رای غیب نمای آن جناب ^{کتاب جامع علوم و معارف} معظم پوشیده نیست کہ طلب

مواصلت و تأسیس قواعد مودت یا اهل فضل ، پیوسته سنتی معهود

و مألوف بوده است .

سیما کہ چون حق سبحانہ بعضی بندگان خود را بمریت اجتناب

و مکرمت مخصوص گردانیده باشد . و بر اهل روزگار در اجناس

و انواع علوم و فضائل رجحان داده و بصفت جمیل نا محصور

نفس شریف او را تجلیہ بخشیده کہ هر صفتی از آن موجب

انجذاب دلها و طلب تودد تواند بود . فکیف بالمجموع ال کیف

بالذات الجامعة لتلك الصفات .

لاجرم داعی مخلص مبنی بر این مقدمات خواهان فتح باب مواصت با آن جناب گشت . و چون التقا ، من حیث الصورة و . الحالة . تعذری داشت طلب مواصت بطریق مکاتبه که آن را احد اللقائین نام نهاده اند متعین بود . نخواست که از فوائد علمی که شریفترین صور ترقبات نفسی است . این مفاتحه خالی باشد . و از فوائد نتایج افکار آن ذات شریف بی نصیب ماند .

ولهذا رساله پیش از این بمدتی مدید در بیان حاصل نتایج افکار با مزید وضوح و تحقیقی که حاصل اهل استبصار است ساخته بود . و مسئله چند از مشکلات مسائل درج کرده و بصورت مفاوضه با بعضی از اکار فضلا و دوستان در بحث آورد . در صحبت این مکاتبه بخدمت فرستاد تا از مقام افادت و حسن معاونت در راه تحقیق آنچه درون مبارک را در آن سانج گشته باشد . و فساد آن پیرهان واضح شده بحکم کرم بیان فرماید که این نوع تفضل مثمر ثنای عاجل و ثواب آجل خواهد بود ، والله خیر معین .

پیوسته آنجناب عالی مقصد ارباب حاجات و مصدر اجناس فضائل

و انواع خیرات باد .

جواب مولانا نصیر الدین قدس سره

انسانی کتاب ما اراه مشابها بغیر کتاب الله من سائر الکتب
انی من امام نور الله قلبه وسیر مرفوعا لدی سره الحجب
خطاب عالی مولانا امام اعظم ، هادی الامم و کاشف الظلم صدر الملة
و الدین مجد الاسلام و المسلمین لسان الحقیقه برهان الطریقه
قدوة السالکین الواجدین و مقتدی الواصلین المحققین ملک الحکماء
و العلماء فی الارضین ترجمان الرحمن . افضل و اکمل
جهان . ادام الله ظله و حرس و بله و طله . بخادم دعا و

ناشر ثنا مرید صادق و مستفید عاشق (محمد الطوسی) رسید .
 بوسید و بر سر چشم نهاد و گفت ،
 از نامه تو ملك جهان یافت دلم وز لفظ تو عمر جاودان یافت دلم
 دل مرده بدم چونامه بر خوانده شد از هر حرفی هزار جان یافت دلم
 هر چند در ما تقدم صیت فضائل و آوازه آن ذات بی همال
 استماع کرده بود . و بمشاهده جمال مبارك و مطالعه شمایل آن
 وجود بی نظیر مشتاق شده . و بوسول بخدمت او نیازمند گشته و
 روزگار در نیل آن مامول مساعدت مبذول نمیکرد . همت بر آن
 میبگماشت که بکتابت راه سفارت گشاده گرداند و بمراسم به آتش
 حضرت بزرگوار توسل جوید .

ناگاه بخت حفته بیدار گشت . و مطلوب حقیقی روی نمود
 بایراد خطاب جانتزای و مفاوضه دلگشای ابن بیچاره مشتاق را
 مشرف گردانید ، و چون در همه فضائل بر همگان مقدم و الفضل
 للمتقدم گفته باند ، در این معنی هم تقدم فرمود و ابن مرید محروم
 را رهین منت و شاکر نعمت گردانید . و جان تشنه شوق او را بزلال
 یندوع کمال آبی بر لب زد . *شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*
 خدای تعالی آن ظل ظلیل گسترده دارادنی و آن بر تو تجلی
 در میان اهل کمال تابنده و پاینده بحق حقه .

(مقایسه شعرای پارسی و تازی)

مقاله پنجم

« ۱۲ » جهانگیری ، بداین معنی که آیا شعرای کدام یک
 از دو طرف با شمشیر فصاحت و لشکر بلاغت بیشتر بجهانگیری
 و تسخیر ملل سایره نایل شده و دایره زبان که بنیان استقلال